

تحلیل فضای اقتصادی و سیاسی کشور در گفت‌وگو با اسحاق جهانگیری

امضای برجام در گرو اراده دولت است، نباید برای حفظ منافع ملی ترسید

وحیده کریمی، مریم شکرانی، روز ۱۷ مرداد اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهوری سابق، به مناسبت روز خبرنگار به دفتر روزنامه «شرق» آمد؛ دیداری که فراری برای مصاحبه نداشتند، اما پای کب‌وگفت که به میان آمد. درخواست خبرنگاران روزنامه را پذیرفت و تصمیم خود را تغییر داده و به نکات مهمی از مسائل کشور پرداخت؛ از علت پرریگ‌شدن این روزهای کابینه حسن روحانی و پیش‌بینی‌اش از انتخابات آینده، از اینکه آیا اصلاح‌طلبان به در بسته خورده‌اند یا اصول‌راهی برای خروج کشور از شرایط موجود وجود دارد؟ آیا می‌شود مردم را دوباره پای صندوق‌های رای کسانند؟ … و او در ادامه نقبی زد به حوادث و شرایط دولت حسن روحانی؛ از آبان ۹۸ و تصمیم گرانی بنزین و چرابی واردنشدن واکسن کرونا تا علت ناکامی دور از انتظار کابینه روحانی در مذاکرات احیای برجام.

◆ **آقای جهانگیری اجازه بدهید از حواشی سیاسی درباره دولت روحانی شروع کنیم، تحرکات اخیر کابینه روحانی این شائبه را ایجاد کرده که برای انتخابات آماده می‌شوید؛ خبری هست؟**

من که نمی‌توانم به‌عنوان سخنگوی آقای روحانی صحبت کنم، اما معمولا رئیس‌جمهورها بعد از پایان دوره‌شان به دلیل اعتمادی که مردم به آنها داشتند، تلاش می‌کنند ارتباط خود را با مردم حفظ کنند؛ به‌ویژه اینکه آرای آقای روحانی به‌خصوص در دور دوم هم بالا بود. خب حتما می‌خواهد ارتباطش با مردم را داشته باشد.

البته من تا الان هیچ استنباطی ندارم از اینکه ایشان نگاه برگشت به قدرت داشته باشد. ولی حلقه وصل به آقای روحانی حزب اعتدال و توسعه است که خب آن یک حزب است و قاعدا به‌عنوان یک حزب حتما برای انتخابات برنامه دارند و نمی‌شود گفت که آنها برنامه ندارند.

◆ **پیش‌بینی شما از انتخابات پیش‌رو چیست؟ فکر می‌کنید مردم چقدر از آن استقبال می‌کنند؟**

من فکر می‌کنم انتخابات پیش‌رو برای جمهوری اسلامی و برای تعیین سرنوشت حکومت اتفاق بسیار مهمی است و سه گروه در این انتخابات تعیین‌کننده هستند.

در راس، حاکمیت است و اگر حاکمیت به این باور برسد که حرف مردم، حرف اصلی است و انتخابات حق کلیدی مردم است و مردم حق دارند درباره سرنوشت خودشان تصمیم‌گیری کنند، می‌تواند با فراهم‌کردن بست‌های لازم، انتخاباتی باشکوه و رقابتی شکل دهد و مشارکت بالایی داشته باشد. ضلع و رأس دیگر انتخابات، احزاب هستند که نباید از نقش خودشان غفلت کنند و این‌طور نباشد که بگویند در مقطعی که ما می‌دانیم مردم به ما رو می‌کنند، می‌آیم و فعال می‌شویم و در مقطعی که می‌دانیم مردم به انتخابات اقبالی نشان نمی‌دهند، ما هم کنار می‌کشیم. خب این کار حزبی نیست، اما گویا رفتار احزاب ما چندان با کار حزبی سازگار نیست. ضلع دیگر این مثلث، مردم هستند و باید بپذیریم که در شرایط بسیار دشواری قرار دارند و درصد جمعیتی که زیر خط فقر قرار گرفته‌اند خیلی بالاست و این مسئله اصلا با موازین و آرمان‌های جمهوری اسلامی و توانمندی‌های کشور سازگار نیست. امروز من شعاری از بازشتگان دیدم که «ما می‌گوییم حقوق‌مان کم است و آنها نان را گران می‌کنند!»؛ این هشداری از بطن و اعماق جامعه است که سفره‌هایشان کوچک‌تر از همیشه شده است. نمی‌شود همیشه به مردم بگوییم مقاومت بکنید و فشارها را تحمل کنید یا جامعه به نقطه‌ای برسد که یک دختر برای رفتن به ورزشگاه خود را آتش بزند. انتخابات جایی است که این مطالبات باید منعکس و نمایندگی شود. باید دید در این شرایط مردم چقدر می‌توانند دوباره اعتماد کنند و پای صندوق‌های رای برگردند؟

◆ **به نظر‌تان مردم پای صندوق‌های رای برمی‌گردند؟**

بستگی به شرایط دارد. ممکن است یک واکنش مردم این باشد که یاس و سرخوردگی به حدی رسیده باشد که فکر کنند هیچ کاری نمی‌شود کرد و شرکت در انتخابات بی‌فایده است یا تصور کنند برای تغییر وضع موجود باید در انتخابات شرکت کنند و نگذارند کشور بیش از این خسارت ببیند. اما حاکمیت بداند که باید در پیشگاه تاریخ به ملت ایران پاسخ‌گو باشد. حتی اگر الان کسی از آنها توضیح نخواهد، بالاخره روزی ملت ایران از آنها توضیح خواهد خواست.

◆ **در ادبیات سیاسی مسئولان کشور، مردم چه کسانی هستند؟ طیفی که شبیه آنها فکر می‌کنند؟ یا کسانی که تفکرات دیگری دارند هم جز، مردم به حساب می‌آیند؟**

از ابتدای انقلاب قرار بود مردم همه‌کاره انقلاب باشند؛ هم در متون دینی ما این هست و هم امام در سخنرانی‌شان به صراحت می‌گویند که ما شرعا اجازه نداریم چیزی برخلاف نظر اکثریت اعدیای مدنظر خود را در میان نامزدهای تأیید صلاحیت شده نمی‌بینند یا اشکالات دیگری می‌بینند، واقعیتی است که به‌عنوان اشکالات جدی در سیستم وجود دارد؛ اما معتقدم مردم می‌توانند بازی‌هایی را که برایشان طراحی شده، به هم بزنند. در سال ۷۶ همه فکر می‌کردند که طراحی‌طوری انجام شده که فرد دیگری رئیس‌جمهور بشود، ولی مردم آمدند و با رای‌های خود نتیجه را برخلاف پیش‌بینی‌ها رقم زدند. در سال ۹۲ هم شاهد بودیم که هاشمی‌رفسنجانی را رد صلاحیت کردند که نتیجه دیگری از انتخابات بگیرند؛ اما مردم آمدند بازی را به هم زدند و کار دیگری کردند. در سال ۹۶ هم به نظر من همین بود. بنابراین از نظر اداره حکومت تعریف مردم نهائیا این می‌شود که رئیس‌جمهور و نماینده مجلس و سایرین، منتخب مردم هستند.

◆ **شما می‌گویید اصلاح‌طلبان در مقاطعی از انتخابات، بازی را به نفع خواسته اکثریت برهم زده‌اند. آیا فکر می‌کنید اصلاحات هنوز میان مردم پایگاه دارد و به بن‌بست نرسیده است؟**



من فکر می‌کنم قانون اساسی راهکار خروج از بن‌بست را پیش‌بینی کرده است و اصل ۵۹ قانون اساسی به مردم ایران این حق را داده که در موضوعات مهم بتوانند رفتارندوم داشته باشند و نظر خودشان را مستقیم و بدون دخالت مجلس بگویند. بنابراین با توجه به قانون اساسی، بن‌بستی وجود ندارد. بااین‌حال، اینکه اصلاحات با یک مشکل جدی روبه‌رو شده است، من این را قبول دارم، اما اینکه اصلاحات در مقابل این مشکلات باید عقب‌نشینی کند و کنار برود، این را قبول ندارم و نقش‌کنشگران سیاسی و سیاست‌مداران را در خروج از بن‌بست نباید نادیده بگیریم. اصلا سیاست‌مدار برای چیست؟ سیاست‌مدار برای این است که بن‌بست‌شکنی کند و اگر راهی را بستند، راهکاری برای عبور پیدا کند. یعنی این‌طور نیست که به محض اینکه راه را بستند، ما هم دست‌هایمان را بلند کنیم و بگوییم راه‌ها بسته شده و دیگر برویم در خانه و بشینیم. من فکر می‌کنم اگر واقعا دلسوزان کشور همت کنند برای چنین شرایطی هم راه پیداشدنی است و این‌طور نیست که ما بگوییم رئیس‌جمهور را هم انتخاب کنیم نمی‌تواند کاری کند! واقعا فرقی بین آقای احمدی‌نژاد و خاتمی یا بین آقای رئیسی و آقای روحانی نیست؟! مگر روحانی با همین شرایط و با همین سیستم به برجام نرسید؟ مگر محدوداد ظریف، روزها و هفته‌ها با وزیر خارجه آمریکا گفت‌وگو نکرد؟ من فکر می‌کنم بن‌بست هرچقدر هم که سخت باشد، اگر نیروهای اصلی و متخصص کشور باشند، می‌توانند راه را باز کنند.

◆ **هنوز به احیای برجام امید دارید؟**

وضعیت سیاست خارجی بد است و بالاخره باید اصلاح شود. از اول گفته می‌شد که تحریم باید زمان‌دار باشد و تحریم نمی‌تواند بی‌انته باشد. هیچ گروهی نمی‌تواند بگوید که تحریم باید بی‌انته باشد؛ حتی همین گروه‌هایی که به صدر اسلام اشاره دارند و از شعب ابی‌طالب می‌گویند نیز اذعان دارند که رهبری شعب ابی‌طالب با پیغمبر خداست که به خدا اتصال دارد و مستقیم از آسمان فرمان می‌گیرد و دوره حصر و انزوا یک دوره محدود است. در آخر پیغمبر خدا هم می‌خدا می‌گوید که دیگر باید راهی پیدا شود و مردم توان تحمل حصر در شعب ابی‌طالب را ندارند.

از دوره‌ای که ترامپ دیوانه تحریم‌های دور دوم را شروع کرد، من همواره می‌گفتم که اگر این دوره یک دوره دوساله باشد، می‌شود با تدبیر طوری کشور را مدیریت کرد که تحریم‌ها نتیجه ندهند. در نهایت هم دیدیم طوری عمل شد که در پایان دو سه سال حتی نزدیک‌ترامپ اعلام کرد که فشار حداکتری شکست خورده است. اگر کسی ادعا می‌کند که من با تحریم می‌توانم کشور را اداره کنم، حداقل باید کارنامه‌ای روی میز بگذارد و بگوید من بدون تحریم اینجرا را خوب اداره کردم.

وقتی کسی در کارنامه‌اش یک مدیریت موفق ندارد، چگونه باید به او اعتماد کرد که کار بزرگ‌تری انجام دهد؟ چگونه برخی مدعی می‌شوند می‌توانند با وجود تحریم مشکلات را حل کنند؟ نتیجه این نوع مدیریت، فشارهایی است که بر دوش مردم است.

◆ **گاهی مسئولان دولت روحانی با کابینه رئیسی جدال لفظی دارند که «دیدید اقتصاد به برجام گره می‌خورد؟!» چرا دولت دوازدهم با وجود این تأکیدات نتوانست برجام را احیا کند؟**
در شهریور ۹۸ که آقای روحانی به سازمان ملل رفت، با آقای مکرون، رئیس‌جمهوری فرانسه، دیدار داشت و خانم مرکل، صدراعظم وقت آلمان که هیچ‌گاه در جلسات سازمان ملل شرکت نمی‌کرد، در آن سال و در آن برهه کوتاه در این نشست شرکت کرد.

آقای جانسون، نخست‌وزیر وقت انگلیس، به همین ترتیب و همه این افراد به نیویورک آمدند، به این‌امید که بتوانند جلسه‌ای با آقای روحانی و آقای ترامپ داشته باشند. آنجا آقای روحانی گفته بود که چند نکته هست که اگر ترامپ این نکته‌ها را قبول کند، من ملاقات می‌کنم.

◆ **پاسخ ترامپ چه بود؟**

ترامپ بعضی نکات را قبول کرده بود و بعضی را گفته بود بعد از جلسه با روحانی اعلام می‌کنم؛ اما آقای روحانی تردید کرد که اگر رفت و ملاقات کرد و جلسه برگزار شد و ترامپ زیر آن زد و قبول نکرد، در داخل کشور با بحران مواجه می‌شود

اگر دولت و شخص رئیس‌جمهور اراده جدی داشته باشد، می‌تواند کاری را کند که به نفع مردم است.

من فکر می‌کنم ما جایی گیر می‌کنیم که استدلال قوی نباشد یا با لجبازی‌های داخلی مواجه باشیم و آن لجبازی‌های داخلی منافع ملی را به هم بزند.

◆ **نرخ تورم در دولت روحانی دستکاری می‌شد؟ آیا تحویل کابینه با تورم ۶۵درصدی صحت دارد؟**

وقتی گفته می‌شود آمار دستکاری می‌شود و آمار مراجع رسمی ایراد دارد و بازیچه دولت‌هاست، آمار خودشان هم زیر سؤال می‌رود. در کشور دو مرجع آمار رسمی وجود دارد که یکی مرکز آمار است و دیگری بانک مرکزی. ما آنچه را که این دو دستگاه همین الان در همین دولت می‌گویند، قبول می‌کنیم؛ چراکه از نظر ما نمی‌شود به آمار رسمی کشور خدشه وارد کرد.

اینکه هر دولتی بخواهد یک چیزی علیه دولت قبل بگوید، این هم طبیعی است. البته من فکر می‌کنم تا یک سال بعد از دولت قبلی می‌شود قصور را گردن دولت قبل انداخت و این با ملاحظاتی پذیرفتنی است، اما از یک سال بیشتر عرض خود می‌برند.

◆ **البته گزارش آماری بسیاری از داده‌های اقتصادی ازجمله فروش نفت مشخص نیست…**

همین مسئله یکی از عارضه‌های بزرگ تحریم است. اگر یادتان باشد، من یک موقعی مصاحبه کردم و گفتم ما فکر نمی‌کردیم دیگر هند هم نفت از ما نخرد یا حتی چین حاضر نیست یک بشکه نفت را به صورت رسمی از ایران بخرد. خب ما اینها را می‌گفتیم… الان ممکن است دولت ادعاهایی داشته باشد، اما حتما بعد از این دولت رو خواهد شد که شما هر بشکه نفت را چقدر فروختید؟ آقای رئیسی در دوره‌ای به من تلفن زدند و گفتند فلانی! به ما مشورت بده. گفتم موضوع مشخص کنید. ایشان موضوعی مشخص نکردند و خواسته‌شان کلی بود. بعد از آن هم آقای مخبر همین مطلب را تکرار کردند. من در نامه اولی که در مهرماه ۱۴۰۰ به ایشان نوشتم، به موضوع فروش نفت اشاره کردم؛ چون دغدغه‌ام این بود که «بابک زنجانی»‌هایی دوباره شکل بگیرند. زمانی که در دوره مسئولیتم درباره این فساد صحبت می‌کردم، یکی از بزرگان گفت این چه حرفی بود شما زدید؟ گفتم من الان هم معتقد هستم بابک زنجانی بزرگ‌ترین فساد قرن جهان بوده است؛ دومیلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار پول شوخی نیست که یک نفر برده؛ مگر یک ریال، دو ریال است؟ این پول در بسیاری از کشورها خرج پروژه‌های زیرساختی بزرگی می‌شود، نه اینکه به جیب یک نفر برود. تازه به جز نفت خام به این‌ا آقا پول دلاری هم داده‌اند. بنابراین من برای اینکه این اتفاق هم در دوره خودمان نیفتد، وقتی ترامپ تحریم کرد، سعی کردم جلسه بگذارم و از دستگاه‌های نظارتی و امنیتی بخواهم به ماجرا ورود کنند. الان هم می‌گویم واقعا نفت جزء مسائل مهم است؛ هم فروش آن، هم درآمدش، هم میزان تخفیف آن، هم نحوه پس‌گرفتن پول آن. چون این شرایط غیرشفاف است، پس خط‌رک است و هر چیزی ممکن است اتفاق بیفتد.

◆ **«بابک زنجانی»‌ها چقدر مانع امضای برجام و عادی‌شدن روابط ایران و جهان هستند؟**
من قبول دارم که عده‌ای منافع‌شان در تحریم است و در این نباید تردید داشت؛ یعنی شبکه‌ای در کشور درست می‌شود که این شبکه از محل تحریم منافع آفسانه‌ای دارند. حالا نمی‌خواهم به صورت ریز وارد جزئیات این ماجرا شوم. من هشت سال رئیس ستاد مقابله با تحریم و رئیس مبارزه با مفاسد کشور بودم و می‌دانم که این گلوگاه‌ها کجاست، اما اعتقاد دارم که امضای برجام در گرو اراده دولت است و دولت نباید برای حفظ منافع ملی از گروه‌هایی بترسد. رهبری یکی بار مطلبی گفتند که اگر حتی یک ساعت زودتر می‌شود تحریم‌ها را لغو کرد باید از همان یک ساعت فرصت هم استفاده کرد، عقب‌انداختن لغو تحریم‌ها جایز نیست. راجع به فساد امثال فساد بابک زنجانی، من معتقد هستم که این فساد بدون هماهنگی یا افرادی در داخل سیستم اتفاق نیفتاد. این بزرگ‌ترین خیانت به یک کشور است که به اتفاق آنکه نفت را شرکت ملی نفت بفروشد و به نهادهای نظارتی پاسخ‌گو باشد، نفت را بدهند دست یک فرد و یک شبکه بفروشد.

خیانت به این کشور این است که شرکت ملی نفت کشور را مس‌ای اعتبار بکنیم. آرامکوی عربستان را ببینید چند هزار میلیارد دلار فروخته‌شد؟! شرکت ملی نفت باید چنین جایگاهی داشته باشد.

◆ **بابک زنجانی کجاست؟ چرا دادگاه او علنی برگزار نشد؟**

نمی‌دانم اما اعتقاد دارم که هیچ‌کس نباید از اینکه پرونده بابک زنجانی علنی رسیدگی شود، ترس داشته باشد. من با همه هم مذاکره کردم؛ از رئیس قوه قضائیه وقت تا بقیه. وقت گذاشتم و در ملاقات خصوصی صحبت کردم. این از آن پرونده‌هایی بود که باید به خاطر ملت ایران علنی رسیدگی می‌شد. از اینکه هر روز در هر رده‌ای در این پرونده از او اسم آورده می‌شد، نباید نگران می‌شدم. ما باید نگران ملت ایران باشیم. ما اگر واقعا دلسوز ملت ایران هستیم، آنجایی که پای منافع مردم ایران در میان است نباید کوتاه بیاییم. اما حالا یک نفر نمی‌داند در دادگاه بابک زنجانی چه گذشته است؟ از چه کسی اسم برده است؟ من یک بار در آن زمان در سخنرانی‌ام اعلام کردم که رفت‌وآمدهای بابک زنجانی به دستگاه‌ها به‌گونه‌ای بود که اگر او به دستگاهی می‌رفت و حتی وزیر یا مسئول آن دستگاه در جلسه‌ای بود، با شنیدن حضور بابک زنجانی از جلسه خارج می‌شد و به نزد او می‌رفت.

بابک زنجانی یک آدم عادی بوده است. چگونه این روابط شکل گرفته است؟ باید دادگاه امثال بابک زنجانی علنی برگزار شود تا مشخص شود پشت این فسادها چه شبکه‌ای قرار دارد؟ الان خوشبختانه آقای ازه‌ای روی این موضوع خیلی تأکید دارد. اگر این اتفاق بیفتد، خیلی از این فسادها رو

می‌شود و دست‌ها آشکار می‌شود.

◆ **دولت روحانی قیمت بنزین را در آبان ۹۸ به نرخ هزار و ۵۰۰ و سه هزار تومان افزایش داد، اما هم‌اکنون صحبت از اسنادی است که نشان می‌دهد بنزین با نرخ ۵۰۰ تومان به ونزوئلا، سوریه، لبنان و… صادر شده است. آیا این اتفاق رخ داده؟**
من آن بخشی که خودم در جریان هستم راحت توضیح می‌دهم، چون مسئولیت داشتم. آن بخشی را که دیگران مسئولیت داشتند باید از خودشان سؤال کنید. مثلا من مطمئن هستم که اگر مسئولان شرکت نفت، بنزین را یک ریال زیر قیمت بین‌المللی فروخته باشند، سازمان بازرسی و آن دستگاهی که الان ده‌ها پرونده برای مدیران در دستگاه قضائی درست کرده، تا حالا پرونده‌های متعدد دیگری برای مدیران درست کرده بود.

این اصلا امکان ندارد و باید دید در چه مقطع زمانی بوده است؟ ضمناً باید خاطرتان باشد در ابتدای سال ۹۹ که کرونا همه دنیا را گرفته بود، آمریکایی‌ها نفت خام خودشان را زیر قیمت می‌فروختند؛ یعنی اگر کسی نفت خام می‌گرفت یک پولی هم به او می‌دادند که اینها تولیدشان متوقف نشود. اقتصاد همه کشورها آسیب دیده بود و تقاضا برای نفت خیلی کم بود.

خود ما که الان می‌گوییم در بنزین کمبود داریم و باید احتمالا برویم واردات کنیم. ۱۲۲ میلیون لیتر که دوستان دولت گزارش دادند روزانه مصرف می‌کنند، در ماه‌های اول سال ۹۹ مصرف بنزین ما به حدود ۴۰ میلیون لیتر رسید. خب آن موقع اصلا داشت به یک نقطه می‌رسید که ممکن بود به برخی از پالایشگاه‌ها بگوییم تولیدشان را متوقف کنند! این ممکن است در شرایطی باشد که قیمت جهانی پایین آمده یا اتفاقی افتاده باشد.

◆ **حتی با این فرض، قیمت هر لیتر بنزین در اوج شیوع کرونا به حدود ۴۰ سنت عقب‌نشینی داشت و در آن مقطع نرخ دلار آزاد در بازار ایران حدود ۱۶ هزار تومان بود. با دلار دولتی چهارهزار و ۲۰۰ تومانی هم در نظر بگیریم، فروش با قیمت لیتری ۵۰۰ تومان ارزان‌فروشی نبوده است؟ ضمن اینکه در همان مقطع بنزین در ایران ارزان نشد و با نرخ لیتری هزار و ۵۰۰ و سه هزار تومان فروخته می‌شد.**

من نمی‌دانم؛ این را باید خود مسئولش توضیح بدهد. من شرایط و فرضیات را می‌گویم.

◆ **ادعای تعلل کابینه آقای روحانی در واردات واکسن کرونا چه بود؟ می‌دانید که این تأخیر به قیمت جان تعداد زیادی از ایرانیان تمام شد.**

راجع به واکسن کرونا هم از روزی که واکسن در دنیا تولید شد، تا جایی که من خبر دارم (باز من عضو ستاد مبارزه با کرونا نبودم) و بیکری‌هایی که می‌کردم، ایران جزء اولین خریدارهای واکسن از سازمان بهداشت جهانی بود و اسنادش هم هست، اما در نقل و انتقال پول گرفتاری زیاد بود. خب! پول واکسن چگونه رفت؟ در اواخر سال ۹۹ چند بار خواستیم پول را از کره بفرستیم. چون واحد پول کره وون بود و باید تبدیل به دلار می‌شد، بنابراین می‌بایست وارد بانک مرکزی آمریکا می‌شد و پس از تأیید آنها عمل می‌شد. آنجا هم یک‌سری احکام علیه ایران بود.

در دولت آقای روحانی رفته بودند از خزانه‌داری آمریکا مجوز پرداخت پول واکسن از کره جنوبی را گرفته بودند اما خیلی‌ها به آقای رئیس‌جمهور می‌گفتند اگر این پول به بانک مرکزی آمریکا برای مکانیسم clear دارم برود، حتما آنجا این پول را متوقف می‌کنند و به کسانی می‌دهند که علیه ایران شکایت دارند. خب یک ریسک بزرگ این مدلی وجود داشت. وزیر خارجه، وزیر بهداشت و شخص آقای روحانی بسیار پیگیر مسئله واکسن بودند و در این زمینه زحمت کشیدند، اما در نهایت چیزهایی می‌گویند که گفته باشند! چرا ما ناراحت بشویم؟ کسانی که با نحوه واردات یک کالا آشنایی اولیه هم داشته باشند، می‌دانند واردات یک کالا مثل واکسن یک فرایند (قرارداد و نوبت تعیین‌شده) چندماهه دارد. گزارش دکتر ظریف قبل از شروع به کار دولت آقای رئیسی در مورد خرید واکسن گویای اقدامات گسترده دولت روحانی در خرید واکسن بوده است که چه میزان قرارداد بسته شده و طبیعتا نوبت ارسال بخش قابل توجهی از واکسن‌هایی که قراردادشان بسته شده بود، به دولت برده افتاد.

◆ **آقای ظریف با چین سند ۲۵ساله را امضا کرد و گفته می‌شد بناسنت چینی‌ها ۴۰۰ میلیارد دلار سرمایه به ایران بیاورند اما الان حجم سرمایه‌گذاری چینی‌ها در ایران از افغانستان پایین‌تر است. چه چین که به اینجا رسید؟**

سند ۲۵ساله با چین در دولت قبل به سرانجام رسید، اما دستاوردها الان چه بوده؟ دوستانه‌ی الان احساس می‌کنند رابطه‌شان با چین بهتر از دوره ما بوده است، اما کافی است

بررسی شود حجم قراردادهایی که دولت ما با چین بست و چین آنها را فاینانس کرد و با تأمین منابع، پروژه‌ها را اجرا کرد، چقدر بوده؟ در مقابل، حجم قراردادهایی که الان بسته و عملیاتی شده، چقدر است؟ ۴۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری چین در ایران این عدد ۴۰۰ میلیارد است که دولت ما با چین بست و چین آنها را فاینانس کردند و با تأمین منابع، پروژه‌ها را اجرا کرد، چقدر بوده؟ در مقابل، حجم قراردادهایی که الان بسته و عملیاتی شده، چقدر است؟

چینی‌ها نخواستند. ما علاقه‌مند بودیم شفاف باشد اما در آن مقطع طرف چینی نخواست و چون هر کار بین‌المللی باید با توافق دو طرف باشد، در این مورد چینی‌ها به دلایلی موافق نبودند. گرچه با اینکه جزئیاتش اعلام نشود مخالف نبودیم، ما علاقه‌مند بودیم، ولی خب وقتی یک طرف می‌گوید که نه، من علاقه‌مند نیستم، برای خودش هم استدلال‌هایی دارد که قابل فهم است، نمی‌شود کاری کرد. اما ان دیپلماسی خارجی ما به جایی رسیده است که انتقال پول گام ما از عراق به بانک عمان و خرید غذا و دارو در ازای آن، دستاورد جا زده می‌شود. این دیگر برای ما خیلی بد است.